

## تحلیل گفتمان اخلاقی سوره نساء با تکیه بر ۳۴ آیه اول

اکرم نادری\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۴

حسن شوندی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۵

### چکیده

از جمله مسائلی که در جامعه امروز بشری بسیار لازم به نظر می‌رسد توجه به اخلاقیات است. اخلاق از واژه‌هایی به شمار می‌رود که همزاد و همراه با آفرینش انسان است؛ زیرا انسانیت انسان با اخلاق معنا پیدا می‌کند. بر همین اساس است که در آموزه‌های دینی بالأخص معارف قرآنی به اخلاق و مؤلفه‌های آن به صورت ویژه پرداخته شده است. قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل‌ترین ذخیره خداوند سبحان، به مؤلفه‌های اخلاقی نگاه بی‌بدیلی داشته است و آینه تمام‌نمای اخلاقیات برای ما مسلمان آیات وحی الهی است که با تمسک به آن‌ها می‌توان مسیر درست زندگی را یافت و پیمود. پژوهش حاضر، سوره نساء را مبنای کار خود قرار داده تا با بررسی آن نکات اخلاقی موجود در آن را به عنوان گفتمان اخلاقی این سوره استخراج نماید. با توجه به اینکه پرداختن به کل آیات این سوره خارج از حجم استاندارد مقاله می‌باشد بنابراین در این تحقیق ۳۴ آیه اول این سوره را مبنای کار خود قرار داده‌ایم.

**کلیدواژگان:** گفتمان، اخلاق، هدایت، جامعه، قرآن کریم.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، تهران.

akram.naderi45@gmail.com

\*\* استادیار پایه دهم، عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، رشته ادبیات عرب.

نویسنده مسئول: اکرم نادری

## مقدمه

تاریخ زندگی و سیره نبی اکرم(ص) و روایات باقیمانده از آن حضرت، امام علی(ع) و سایر معصومین(ع)، نشانگر آن است که هدف و آرمان والا برای همه آنها گسترش اخلاق حسنه و واداشتن انسانها بر طریق و مسیر اخلاق الهی بوده است. همانطور که پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، یعنی به راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۲). در طول زندگانی پیامبر(ص) نیز به خوبی دیده می‌شود که پای‌بندی به اخلاق و رشد و تعالی اخلاقی مردم در صدر کار ایشان بوده است و در همه این زمینه‌ها، مسلمانان را به رشد و کمال رسانده‌اند و پیام‌های بلند ایشان و اهل بیتشان تا انتهای تاریخ، منادی شرافت و فضائل اخلاقی برای بشریت است. «وجود مبارک حضرت رسول اکرم(ص) از نظر حسن خلق در چنان درجه‌ای قرار گرفته که قرآن کریم درباره‌اش می‌فرماید: «أَنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». از انگیزه‌های مهم بعثت انبیا تزکیه نفوس و جان مردم از بیماری‌های روحی است که سر منشأ همه بداخلاقی‌هاست تا بدین سبب مکارم اخلاق در جامعه نمایان شود. در قرآن می‌خوانیم: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد، هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد. هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند»(آل عمران/ ۱۶۴، بقره/ ۲۱۲). سرتاسر آموزه‌های دینی ما مملو از پیام‌ها و آموزش‌های اخلاقی است، چه در قرآن که در حدود چند صد آیه اخلاقی در آن وجود دارد(همان) و چه در نهج البلاغه امیرالمؤمنین که بخش زیادی از آن به موعظه‌ها و اندرزهای اخلاقی اختصاص دارد. پژوهش حاضر در صدد بررسی گفتمان اخلاقی سوره نساء می‌باشد.

## پیشینه تحقیق

تا کنون پیرامون گفتمان و همچنین سوره نساء پژوهش‌های بسیار و قابل‌ذکری صورت پذیرفته است. در راستای گفتمان می‌توان به «گفتمان صلح» از مریم کیانی، «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن» از سید حسین سیدی و زهرا حامدی شیروان اشاره کرد و پیرامون سوره نساء به مقاله «بررسی رویکرد مفسران

در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء» از نهله غروی نایینی و حامد مصطفوی فرد و کتاب «آیات النساء» از محمد علی غفاری اشاره نمود. لازم به ذکر است که طبق بررسی‌های انجام‌شده پیرامون تحلیل گفتمان اخلاقی در سوره نساء پژوهشی صورت نپذیرفته است.

## گفتمان

اصطلاح گفتمان (Discourse) نخستین بار در سال ۱۹۵۲م در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیک هریس به کار رفت. زلیک هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله ارائه نمود و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد این عده تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش و غیره است (میرفخرایی، ۱۳۸۲: ۳۲).

گفتمان اصطلاحی زبان‌شناسی است که به سرعت کاربرد وسیعی یافت (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲). جی. ای. کادن در فرهنگ اصطلاحات گفتمان را در اخلاق به مباحث بسیار عالمانه و دقیق گفتاری یا نوشتاری پیرامون یک موضوع فلسفی، ادبی، سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی و هنری به کار برده است (دائل دایان، ۱۳۸۰: ۲۶).

گفتمان حاصل تعامل کنش‌های زبانی و غیر زبانی، اندیشگانی، فرهنگی صاحبان فکر و بیان و تبلور ایدئولوژی حاکم است. صورت و یا ساختمان کلام برگرفته از عناصر اصلی زبان، آواها، قواعد دستوری و واژگانی است. اما آنچه معنا و پیام یک کلام را تعیین می‌کند، مجموع صورت‌های عناصر تشکیل دهنده آن نیست، بلکه عوامل غیر زبانی (برون زبانی) در تعیین معنای کلام نقش بسیار مؤثری دارند، لذا معنا و مفهوم محتوای کلام حاصل عناصر درون زبانی (متنی) و برون زبانی (موقعیتی، فرهنگی و...) است که در تعامل با یکدیگرند (روشنفکر، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

همچنین گفتمان را مراد کلامی بده بستانی بین گوینده و شنونده و باز نمود یک صدا در دل یک متن و تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی دانسته‌اند. به عبارت

دیگر گفتمان عبارت است از زبان به هنگام کاربرد و به طور کلی اصطلاحی عام برای نمونه‌های کاربردی زبان است یعنی زبانی که در اثر برقراری ارتباط تولید شده است و بر خلاف دستور زبان- که با عبارت‌ها و جمله‌ها سر و کار دارد- گفتمان با واحدهای زبانی بزرگ‌تر چون پاراگراف مصاحبه، مکالمه و متن سر و کار دارد (روشنفکر، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

ذکر این نکته لازم است که در بررسی گفتمان هر متن باید این نکته را در نظر گرفت که شیوه بکارگیری زبان در هر جامعه بر پایه رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های موجود در آن جامعه شکل می‌گیرد. در عربی واژه «خطاب» معادل گفتمان است. این واژه در «لسان العرب» به معنی کلام تعریف شده است. «الخطاب والمخاطبة، مراجعة الكلام... وذهب أبو اسحاق الى أن الخطبة عند العرب الكلام المنشور المسجع و نحوه...» (زمخشری، بی تا: ۲۳۹). «ویجوز أن يراد بالخطاب القصد الذي ليس فيه الاختصار مخلّ واشباع محلّ ومنه ما جاء في صفة كلام رسول الله صلى الله عليه وسلم: فصل لا ندر ولا هذر». این گفته بسیار شبیه به مفهومی است که امروزه از واژه گفتمان فهمیده می‌شود که گاهی آن را مرادف کلام دانسته‌اند (میرزایی، ۱۳۸۴: ۴۷).

### انواع گفتمان

به سبب این که می‌توان گفتمان را با توجه به تعریف آن در یک نوع بررسی کرد، اکثر زبان‌شناسان از تقسیم آن خودداری کرده‌اند، ولی عده معدودی آن را به انواع گوناگونی تقسیم کرده‌اند. حنفی اندیشمند و ناقد مصری برای درک و تحلیل بهتر گفتمان آن را به ۹ قسم تقسیم کرده است. او گفتمان‌ها را بر حسب پیچیدگی، عمق و دایره شمولیت به این ترتیب آورده است: گفتمان دینی، گفتمان فلسفی، گفتمان اخلاقی، گفتمان قانونی، گفتمان تاریخی، گفتمان سیاسی، اجتماعی، گفتمان ادبی-هنری، گفتمان تبلیغاتی-اطلاعاتی، گفتمان علمی-منطقی (حنفی، ۱۹۹۸: ۲۳).

### تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان موضوعی میان رشته‌ای است که ریشه در زبان‌شناسی همگانی دارد و رویکرد نوین و توسعه یافته آن، یعنی در زبان‌شناسی انتقادی و به دنبال آن تحلیل

گفتمان انتقادی در دهه‌های اخیر گستره وسیعی همچون رشته‌های ادبیات، جامعه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، هنر و روان‌شناسی را در بر گرفته است (آقا گل زاده، ۱۳۸۶: ۱۸).

تحلیل گفتمانی یک گزارش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰م تا اواسط دهه ۱۹۷۰م در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌هایی چون، انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی حزن، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. به عبارت دیگر تحلیل گفتمان همان نقد گفتمان و بررسی نقاط قوت و ضعف آن است (روشنفکر، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، ارتباطات غیر کلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر کدام به تنهایی مفهومی خاص خود را دارا هستند. اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی متفاوتی دارند، انتقال- دریافت و تأثیرگذاری متفاوت و گوناگونی در پی دارند. به طور مثال رستگاری برای یک انسان دین‌دار مسیحی معنایی متفاوت از رستگاری برای یک انسان آزادی‌خواه دارد و وظیفه تحلیل گفتمان یافتن و بررسی همین تفاوت‌هاست.

### عناصر گفتمان

در تحلیل یک گفتمان دو عنصر کلیدی بافت متن (Context) و بافت موقعیت (Context Of Situation) است که باید به آن‌ها توجه کرد. منظور از بافت متن این است که بدانیم یک عنصر زمانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جملات ماقبل و ما بعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند. در بافت موقعیتی یک عنصر با متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، بررسی می‌شود (بهرامپور، ۱۳۷۹: ۱۴). بافت موقعیتی که از آن به بافت غیر زبانی هم یاد می‌کنند، نخستین بار توسط مالدینوفسکی به کار گرفته شد و بعد از آن قوم‌نگاران و زبان‌شناسان زیادی آن را به کار بردند. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و

سیاسی همگی از این نوع هستند. با توجه به تعریف امروزی گفتمان با دو عنصر کلیدی آن بر خلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن سر و کار نداریم بلکه فراتر از آن به عوامل بیرونی متن یا همان بافت موقعیتی نیز سر و کار داریم.

### تحلیل بافت موقعیتی

قرآن کریم در دو محیط اجتماعی مکه و مدینه بر پیامبر نازل شده است. قبل از هجرت و در مکه، خشم و کینه قریش از هر سو متوجه پیامبر و تازه مسلمانانی می‌شد که هیچ‌گونه یار و یآوری نداشتند و در حق آنان انواع خشونت‌ها و بی‌اخلاقی‌ها صورت می‌گرفت، برخی از آنان کنیز و غلام و برخی دیگر در آن دیار بیگانه بودند، در این شرایط پیامبر و تازه مسلمانان توسط مشرکین مورد آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند.

از جمله حربه‌های کفار قریش در حق پیامبر نسبت دادن عناوینی چون "کذاب"، "ساحر" و از همه بدتر "مجنون" به ذات قدسی این پیامبر بزرگ بود. مشرکان با این کار سر آن داشتند تا جدیت و قدسیت را از آیات قرآنی گرفته و رسول خدا را فردی جن زده و دروغگو معرفی کنند (جعفریان، ۱۳۷۳: ۲۰۶) حتی کار به جایی رسید که مشرکین قرآن را شعر خواندند؛ یعنی اثری که از طبع انسان برمی‌خیزد. آنان می‌گفتند که قرآن، خواب‌هایی پریشان و یا دروغی است که پیامبر می‌گوید و یا شاعری است (همان: ۲۳۳).

قریش در گام دیگر خود برای مبارزه با اسلام و با هدف بازگرداندن مسلمانان از آن دست به شکنجه‌های جسمی و آزارهای بدنی مسلمانان زدند که برای نمونه می‌توان به *بلال حبشی* و *یاسر و سمیه* و سنگدلی‌های مشرکان در مورد آنان اشاره کرد. پس از این گام به محاصره اقتصادی مسلمانان روی آوردند (اخوان، ۱۳۸۷: ۶۵۲).

قریش در آخرین گام خود در مکه پا را فراتر نهاده و کمر به قتل رسول خدا بست که با جانفشانی *علی(ع)* ناکام ماند. در آیه ۲۰۷ سوره بقره به این مسأله اشاره شده است (همان: ۶۶۷).

پس از هجرت پیامبر به مدینه اگرچه از آزارهای بدنی قریش خبری نبود اما این گروه اقدامات خود علیه پیامبر را با به راه انداختن جنگ‌های مختلفی چون، احد، بدر،

خندق و... ادامه دادند و از سوی یهودیان ساکن مدینه به دلیل حسادتی که نسبت به پیامبر داشتند، علیه ایشان دست به انواع توطئه‌ها می‌زدند، خداوند در آیه ۱۰۴ سوره بقره این موضوع را ذکر کرده است (بارگاهی، ۱۳۷۶: ۱۷۳).

در چنین موقعیتی که جامعه مسلمین با انواع ظلم‌ها و بی‌اخلاقی‌ها از جانب دشمنان روبه‌رو بود، آیات وحی که آینه تمام‌نمای اندیشه‌های اسلام هستند نازل شده‌اند که همگان را به اصول اخلاقی همچون برابری مسلمانان و بر حذر داشتن انسان‌ها از رذایل اخلاقی همچون طمع، کذب، شهوترانی و... توصیه و دعوت می‌نماید. از جمله سوره‌های نورانی کتاب الهی که سرشار از این نکات اخلاقی می‌باشد، سوره نساء است. سوره مدنی نساء، چهارمین سوره قرآن است که در مدینه منوره نازل شده. این سوره، به مناسبت هفده آیه مربوط به احکام زنان که در ذیل آن بیان گردیده، توسط شخص پیامبر و با صلاح‌دید ایشان نامگذاری گردیده است (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۸۲). «نساء» دارای ۱۷۶ آیه است که در جزء ۴-۶ قرار دارد. محتوای آن دعوت به ایمان، عدالت، عبرت از امت‌های پیشین، قطع رابطه دوستانه با دشمنان خدا، حمایت از یتیمان، احکام ازدواج و ارث، لزوم اطاعت از رهبر الهی، هجرت، جهاد در راه خدا و... است. از آنجا که ۳۵ آیه اول آن پیرامون مسائل خانوادگی است، به سوره نساء (زنان) نامگذاری شده است (همان).

### تحلیل بافت متنی

در بررسی ۳۴ آیه اول سوره نساء و کنکاش در مورد نکات اخلاقی سفارش شده در آن‌ها موارد زیر به عنوان عناصر بافت متنی گفتمان اخلاقی این سوره قابل مشاهده می‌باشد:

### تقوا و صلہ رحم و پرهیز از تبعیض نژادی

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾

«ای مردم، بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسألت و درخواست می‌کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید که خدا مراقب اعمال شماست»

در این آیه ابتدا مسلمان به تقوا دعوت شده‌اند. همانگونه که گفتیم آیات ابتدایی این سوره در مورد خانواده است و نخستین چیزی که به آن سفارش شده تقواست چراکه بنیان خانواده بر تقواست و مراعات آن بر همه لازم است. در مرتبه بعد سفارش به صله رحم شده است. صله ارحام از جمله اموری است که اسلام بارها به آن سفارش کرده و حتی آن را باعث طول عمر دانسته است. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده که منظور از صله ارحام، پرهیز از قطع رابطه با خویشاوندان است(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۵۰) و نیز از حضرت امیر المؤمنین علی(علیه السلام) نقل شده: صله رحم کنید، گرچه با سلام دادن باشد، خداوند فرمود: *وَأَتَّقُوا اللَّهَ ... وَالْأَرْحَامَ(همان)*.

علاوه بر این از جمله اموری که بشر امروزی از آن رنج می‌برد، تبعیض قائل شدن میان افراد جامعه است، جوامع اسلامی که خود را پیرو اسلام ناب محمدی می‌دانند باید سیره پیامبر مهر و رحمت را سرلوحه کارهای خود قرار دهند. در جامعه نوپای اسلامی زمان پیامبر یک برده سیاه حبشی همان حقوقی را داشت که سایر مسلمان دارا بودند.

در این آیه با بیان «خلقکم من نفس واحدة» تساوی انسان را متذکر شده و در واقع می‌فرماید: «انّ اکرمکم عند الله اتقاکم». البته می‌توان تساوی توصیه شده در این آیه را میان زن و مرد دانست که در خانواده و زندگی زناشویی دارای حقوق مساوی بر اساس عدالت هستند چراکه طبق روایتی از پیامبر گرامی اسلام، منظور از نفس واحده در آیه، حضرت آدم و زوجها حضرت حوا است که فرموده‌اند: خداوند مشتی از گل را قبضه نمود و از آن حضرت آدم را خلق کرد و از زیادت آن گل حضرت حوا را نیز خلق نمود (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۰).

## حمایت از طبقه محروم و ضعیف

﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْرَ يَاطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾

«مال یتیمان را به یتیمان دهید و حلال را با حرام مبادله نکنید و اموال آن‌ها را همراه خویش نخورید که این گناهی بزرگ است» خداوند در آیه دوم این سوره با ذکر کلمه "الیتامی" در واقع همگان را به رعایت حقوق گروهی دعوت می‌کند که به دلیل نداشتن حامی، ضعیف بوده و نیاز به همراهی و مساعدت دارند. تأکید این آیه بر رعایت حقوق ایتام به خاطر رفتار برخی مردان است که با مهریه‌ای کم دختران یتیم را به عقد خویش درآورده و پس از مدتی آنان را به راحتی طلاق می‌دادند. در آیه ۶ نیز بیان می‌دارد که هرگاه این افراد را دارای رشد عقلی یافتید، اموالی را که از ایشان نزد شما امانت است را به آنان بازگردانید.

﴿وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْعِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾

«یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و قدرت بر نکاح پیدا کنند آنگاه اگر آن‌ها را دانا به درک مصالح زندگی خود یافتید اموالشان را به آن‌ها باز دهید و به اسراف و عجله مال آن‌ها را حیف و میل نکنید بدین اندیشه که مبادا بزرگ شوند (و اموالشان را از شما بگیرند)؛ و هر کس (از اولیاء یتیم) داراست (از تصرف در مال او) خودداری کند و هر که فقیر است (در مقابل نگهبانی او از مال یتیم) به قدر متعارف ارتزاق کند، پس آنگاه که مالشان را به آن‌ها رد کردید باید بر رد مال بر آن‌ها گواه بگیرید و گواهی خدا برای محاسبه خلق کافی است»

## قسط و عدل

﴿وَلَنْ حِفْتُمْ إِلَّا نَقْضُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ حِفْتُمْ إِلَّا تَغْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أذنَ الْأَنْعُولُوا﴾

«و اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) مراعات عدل نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود در آرید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است: دو یا سه یا چهار (نه بیش تر) و اگر بترسید که (چون زنان متعدّد گیرید) راه عدالت نپیموده و به آنها ستم می کنید پس تنها یک زن اختیار کنید و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید که این نزدیک تر به عدالت و ترک ستمکاری است»

آیه ۲ درباره رعایت عدالت در اموال یتیمان بود، این آیه فرمان عدالت در ازدواج با دختران یتیم است چراکه عده ای از مردان، دختران یتیم را برای تکفل و سرپرستی به خانه می بردند و بعد هم با مهریه ای کم با آنان ازدواج می کردند و به آسانی هم آنان را طلاق می دادند (قرائتی، ۱۳۹۶: ۷۷). علاوه بر این در مورد اختیار زن دوم و سوم توسط مرد این نکته را لازم می داند که باید مردان بتوانند میان همسران خود به عدالت رفتار کنند که تأکید بر عدالت در مورد علاقه و تمایلات قلبی است چراکه این امور مانند امور مادی نیستند که در اختیار و کنترل انسان باشد.

## توبه

﴿وَالَّذِينَ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾  
 «و هر کس از شما (مسلمانان) عمل ناشایست مرتکب شود، چه زن و چه مرد، آنان را (به سرزنش و توبیخ) بیازارید، چنانچه توبه کردند و به کار شایسته پرداختند متعرض آنها نشوید که خدا توبه پذیر و مهربان است»

این آیه بر این امر اشاره دارد که رحمت خداوند به حدی واسع است که حتی شخصی که گناه زنا را انجام داده با توبه از عمل خود لایق عفو و رحمت الهی می شود البته در آیه ۳۱ نیز مسلمانان به پرهیز از گناه دعوت می شوند پرهیز از گناهان کبیره باعث از بین رفتن اثر گناهان کبیره خواهد شد و این خود نیز مهر تأیید دیگری است بر رحمت بیکران خداوند. ذکر این نکته لازم است که توبه و پذیرش آن شرایط خاص خود را دارد و بدین صورت نیست که شخص گناهکار فقط به صورت زبانی توبه کند و همین او را بس باشد.

البته در این آیه با ذکر کلمه "آذوهما" به این نکته اشاره شده که هرگاه مرد یا زن مرتکب گناه زنا شود حتماً باید عقوبت و جزای گناه خود را ببیند. از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده: منظور از این آیه مرد و زن بی همسر است که مرتکب عمل منافی عفت شوند، آن‌ها را باید آزار داد.

### رعایت حقوق زن

﴿وَلِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾

«و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار نمایید و مال بسیار مهر او کرده‌اید نباید چیزی از مهر او بازگیرید، آیا به وسیله تهمت زدن به زن و گناهی آشکار مهر او را می‌گیرید»

در این آیه نکات مهمی در حمایت از زنان گفته شده است:

الف. اسلام حامی حقوق زن است و ازدواج دوم را در صورت ضایع شدن حقوق زن اول منع می‌کند (فلا تأخذوا منه شیئاً).

ب. زن حق مالکیت دارد و مهریه، بی‌کم و کاست باید به او داده شود.

ج. دوری از بهتان زدن به زن اول در صورت اینکه قصد دارید زن دوم اختیار کنید.

در دوران جاهلیت، بعضی همین که می‌خواستند همسر دیگری بگیرند به همسر اول تهمت می‌زدند تا او را در فشار قرار داده و مهریه‌اش را ببخشند آنگاه شوهر او را طلاق می‌داد و سپس از همان مهریه پس گرفته شده، همسر دیگری می‌گرفت. در آیه این سنت جاهلی را نکوهش می‌کند.

### پرهیز از شهوترانی

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾

«و خدا می‌خواهد بر شما (به رحمت و مغفرت) بازگشت فرماید و مردم هوسناک پیرو شهوات می‌خواهند که شما (از راه حق و رحمت) دور و منحرف گردید»

از آنجا که شهوترانی و آزادی جنسی باعث بی بند و باری و ذوب شدن جسم و مشغولیت فکر می‌شود و فرزندان نامشروع تحویل جامعه می‌دهد، بنابراین در این آیه توصیه می‌شود که در مسیر شهوترانان گام ننهید (یرید الذین یتبعون الشهوات).

### آسان گیری در ازدواج

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾

«خدا می‌خواهد کار بر شما آسان کند که انسان ضعیف خلق شده است»  
در آیه قبل توصیه شد به ترک شهوترانی و در این آیه به امر مهم ازدواج تذکر داده می‌شود، راه حلی که جوانان را از دام شهوترانی نجات می‌دهد. همچنین در این آیه با بیان «یرید الله أن يخفف» به این امر مهم توصیه می‌کند که سختگیری و مشکل تراشی در ازدواج خلاف خواست خداوند است و برای جلوگیری از به گناه افتادن جوانان باید شرایطی را مهیا کرد که آن‌ها بدون استرس به ازدواج و زندگی مشترک فکر کنند و در راه تشکیل آن قدم بردارند.

### پرهیز از حرام خواری

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾

«ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید) و یکدیگر را نکشید که البته خدا به شما بسیار مهربان است»

حرام خواری باعث ایجاد اقتصاد ناسالم شده و درگیری و قتل در جامعه به وجود می‌آورد.

### پرهیز از طمع

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا كَتَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾

«آرزو (و توقع بی جا) در فضیلت و مزیتی که خدا به آن بعضی را بر بعضی برتری داده مکنید که هر یک از مرد و زن از آن چه اکتساب کنند بهره‌مند شوند؛ و هر چه می‌خواهید از فضل خدا درخواست کنید (نه از خلق) که خدا به همه چیز داناست»

آیات قبل از حرام خواری نهی می‌فرمود و در این آیه به ریشه حرام خواری یعنی طمع اشاره می‌کند و بر این نکته تأکید می‌کند که به جای چشم داشت به داشته‌های دیگران، به فضل و لطف خدا چشم داشته باشیم و در پی تلاش باشیم و این آیه مؤید این ضرب‌المثل است که «از تو حرکت و از خدا برکت».

### وظایف زن و شوهر در زندگی

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾

«مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند، پس زنان شایسته مطیع شوهران و در غیبت آنان حافظ (حقوق آنها) باشند از آن رو که خدا هم (حقوق زنان را) حفظ فرموده است. و زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بی‌مناک‌اید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع نشدند) از خوابگاه آنان دوری گزینید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان را به زدن تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آنها مجوید که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشأن است»

در این آیه وظایف زن و شوهر در زندگی مشترک بیان می‌شود. مهم‌ترین وظیفه مرد سرپرستی و مدیریت خانواده و تأمین مخارج زندگی است و این موضوع به خاطر ساختار جسمی و روحی اوست و زن نیز باید ضمن رازداری و حفظ آبروی شوهر در غیاب وی، از

او تبعیت کند و حقوق شوهر خود را رعایت کند که البته اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی مشروط به تأمین زندگی از سوی مرد است و مرد هم جهت مطیع ساختن زن، هیچ حقی در آزردن او ندارد.

در تنبیهات بدنی اسلام سفارش کرده که نباید به مرحله کبودی جسم یا زخمی شدن بدن برسد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «کتک شما نباید به نحوی باشد که اثر آن در جسم زن نمودی داشته باشد، یا کتک نشانه خودنمایی و اظهار قدرت مرد باشد که زهره چشمی بگیرد»(طبری، ۱۳۶۲، ج ۵: ۶۸).

### نتیجه بحث

سوره نساء در بردارنده نکات اخلاقی است که رعایت آن‌ها ضامن بقای خانواده و به تبع آن جامعه خواهد بود.

تقوا به معنای نگاه داشتن خود از گناه است و این موضوع در زندگی خانوادگی باعث تعهد بیش از پیش زوجین به زندگی و همچنین باعث جلوگیری از خطاهایی می‌شود که انعکاس آن در سطح جامعه باعث بروز مشکلاتی خواهد شد. نکته دیگری که در آیات این سوره تذکر داده می‌شود رعایت صله رحم است که با انجام آن پیوندهای خویشاوندی مستحکم شده و باعث از بین رفتن انزوای افراد در محیط خانه و همچنین از بین رفتن بسیاری از مشکلات روحی آنان خواهد شد چراکه در جمع‌های خویشاوندی می‌توان برای مشکلات خود چاره جست و از مشورت نزدیکان استفاده نمود.

از جمله نکات دیگری که در این سوره به آن توصیه شده، حمایت از ایتام و رعایت عدالت در مورد این افراد است چراکه ممکن است کسانی باشند که به خاطر موقعیت ایتام از مال و یا خود آنان سوء استفاده کنند. در این آیات مسلمان به رعایت حقوق این قشر توصیه شده‌اند.

در این سوره همچنین با یادآوری رحمت و اسعه خداوند، مسلمانان به پرهیز از گناهیانی چون شهوترانی و حرام خواری و طمع دعوت شده‌اند و این نکته هم یادآوری شده که رحمت خداوند به حدی است که حتی گناهی مانند زنا هم با توبه بخشوده می‌شود، البته نباید فراموش نمود که قبول شدن توبه نیز شرایط خاص خود را دارد.

در این سوره همچنین ضمن دعوت به پرهیز از شهوترانی، در مورد مهم‌ترین راه حل و چاره جلوگیری از شهوترانی، یعنی ازدواج صحبت می‌شود و مسلمانان از سخت‌گیری و مانع تراشی بر سر راه ازدواج جوانان منع شده‌اند تا جوانان بتوانند بدون دغدغه به زندگی مشترک بیندیشند. در این آیات همچنین حقوق و وظایف زن و شوهر در زندگی مشترک گوشزد می‌شود که حقوق زن عبارت‌اند از دریافت بدون کم و کاست مهریه و ضرورت رضایت او برای ازدواج دوم همسر و عدم آزار و اذیت او توسط همسر حتی زمانی که از وی اطاعت نکند البته در مقابل برای شوهر نیز حقوقی در نظر گرفته شده که در مقابل تأمین هزینه زندگی توسط او بر زن واجب می‌شود، حقوقی چون حفظ اسرار و حفاظت از زندگی و ناموس و همچنین اطاعت زن از شوهر و بدیهی است که رعایت همه این امور ضامن بقای بنیان خانواده به‌خصوص در جامعه پرتلاطم امروزی خواهد بود.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- اخوان، محمد. ۱۳۸۷ش، **تاریخ اسلام در قرآن**، چ ۱، قم: انتشارات مرسل.
- بارگاہی، محمدرضا. ۱۳۷۶ش، **نگاهی به تاریخ اسلام**، چ ۴، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- بهرام پور، شعبانعلی. ۱۳۷۹ش، **درآمدی بر تحلیل گفتمان**، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- جعفریان، رسول. ۱۳۷۳ش، **تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا)**، چ ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- حنفی، حسن. ۱۹۹۸م، **تحلیل الخطاب العربی**، بحوث مختارة المؤتمر الثالث، دون ط، عمان: جامعة فیلادلفیا.
- دائل دایان، مک. ۱۳۸۰ش، **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان**، ترجمه حسینعلی نودری، چ ۱، تهران: انتشارات گفتمان.
- زمخشری، ابوالقاسم. ۱۳۴۱ق، **اساس البلاغة**، ط ۱، قاهره: دار الکتب المصریة.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۸۲ش، **تفسیر المیزان تفسیر سوره نساء**، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴ و ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۶۲ش، **تفسیر طبری (تاریخ الرسل والملوک)**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، تهران: انتشارات اساطیر.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۷ش، **تفسیر نور**، ج ۲، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرائتی، محسن. ۱۳۹۶ش، **قرآن کریم؛ ترجمه و تفسیر**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۵ش، **اصول الکافی**، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، ج ۷۵ و ۶۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

## مقالات و پایان‌نامه‌ها

- آقاگل زاده، فردوس. ۱۳۸۶ش، «**تحلیل گفتمان انتقادی**»، مجله ادب پژوهی، دانشگاه گیلان، صص ۱۷-۲۷.
- روشنفکر، کبری و دانش محمدی. ۱۳۸۸ش، «**تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س)**»، مجله سفینه، سال ششم، شماره ۲۲، مؤسسه فرهنگی نبأ مبین، صص ۱۲۸-۱۴۹.
- روشنفکر، کبری و فاطمه اکبری زاده. ۱۳۹۰ش، «**تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا(س)**»، مجله منهج، سال هفتم، شماره ۱۲، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۲۶-۱۴۵.

میرزایی، فرامرز و ناهید نصیحت. ۱۳۸۴ش، «گفتمان کاوی شعر»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب، شماره ۴، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۴۳-۶۷.

میرفخرایی، تژا و حسینعلی قجری. ۱۳۸۲ش، «فرآیند تحلیل گفتمان و کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات رسانه‌ای»، مجله پیام پژوهش، سال هفتم، شماره ۸۲، مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، صص ۳۲-۳۴.

نادری، اکرم. ۱۳۹۶ش، «نقد ترجمه آیات الاخلاق سوره نساء (در ترجمه‌های مکارم شیرازی، فولادوند، خرمشاهی، معزی، الهی قمشه‌ای)»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

## **Bibliography**

The Holy Quran

Akhavan, Mohammad (2008), History of Islam in the Quran, Q1, Qom, Mursal Publications

Bargahi, Mohammad Reza, (1999), A Look at the History of Islam, Q 4, Tehran, Islamic Azad University of South Tehran

Bahrampour, Sha'ban Ali (2000), Introduction to Discourse Analysis, Q1, Tehran, Culture of Discourse Publishing

Jafarian, Rasoul, (1994), Political History of Islam "The Sera of the Messenger of Allah", Q 1, Heran, Printing and Publishing Organization

Dael Daiane, Mac (2001), Introduction to Discourse Theories, Translation by Hossein Ali Nozari, Ch 1, Tehran, Discourse Publishing

Tabatabai, Mohammad Hussein (2003). Interpretation of Al-Mizan Interpretation of Surah Nisa, Translator Muhammad Baqir Musavi Hamedani, 4th and 5th, Qom: Islamic Publications Office

Tabari, Mohammed ibn Jarir. , (1983), Tabari's commentary (History of al-Rasul and Al-Muluk), translation of Abolqasem Paidand, 5th ed., Tehran: The mythological publication

Gharaati, Mohsen. (2008), the interpretation of light. C 2, Cultural Center Publishing Lessons from the Qur'an, fourth edition

Gharaati, Mohsen (2017), Holy Quran "Translation and Interpretation", The Cultural Center Lessons from the Qur'an

Hanafi, Hassan (1998), Al-Hutab al-Arabi's analysis, Bahá'í Mokhtara al-Mu'tmur al-Thalth, Don Tah, Oman, the Philadelphia community

Zamakhshari, Abolqasem, (1962), Basil-Balaghah, Taha, Cairo, Dar al-Kabul al-Masriyah Kellini, Mohammed ebn Ya'qub. , (1965). Principles of alphabet. C 1, Tehran: Dar al-Kabul al-Islamiyyah

Majlesi, Mohammad Baqer. (1403). Biar al-Anwar C 75 and 68, Dar al-'Arthat al-Arabi

## Articles & Thesis

Aghagolzadeh, Ferdous (2007), "Critical Discourse Analysis", Journal of Literature, Rasht, Guilan University (From 17 to 27)

Roshanfekr, Kobra & Akbarizadeh, Fatemeh (2011), "The Analysis of the Discourse of the Fadak Sermon of Hazrat Zahra (Sa)", *Manhaj Journal*, Seventh Year, No. 12, Tehran, Tarbiat Modares University, (pp. 126 to 145)

Roshanfekr, Kobra & Mohammadi, Danesh (2009), "The Analysis of the Literary Discourse of Sermons by Hazrat Zaynab (SA)", *The Journal of Safina*, The 6th Year, No. 22, Tehran, Naha Mobin Cultural Institute (pp. 128 to 149)

Mirzaei, Faramarz and Nasid, Nahid, (2005). "Poetry Discourse", *Journal of Arabic Association of Iranian Language and Literature*, No. 4, Tehran, Tarbiat Modares University, (p. 43, 67)

Mirfakhraei, T. Vahjeri, Hossein Ali (2003), "The Discourse Analysis Process and the Discourse Analysis in Media Research", *Journal of Payam Research*, Year 7, No. 82, Tehran, IRI Center for Sound and Visual Studies, (from 32 to P. 34)

Naderi, Akram (2017), *Criticism of the translation of the verses of the Qur'an of Surah Nisaa (in the translations of Makarem Shirazi, Pulāwādūd, Khoramshahi, Ma'azī, Divine Qomishi)*, Islamic Azad University, Karaj Branch

## **An Analysis on Ethical Discourse in Nisa Surah based on First 34 Verses**

**Akram Naderi**  
**Hasan Shavandi**

### **Abstract**

one of the issues that seems very necessary in today's human society is to pay attention to ethics. Morality is one of the words that is associated with human creation; Because humanity finds meaning in morality that's why it is it has been specially paid attention in religious teachings specifically. Holy Quran, as the last and most complete reserve of God Almighty, has an unparalleled view of the moral components, and the full mirror of morality for us Muslims is the verses of divine revelation, by relying on which we can find and walk the right path of life. The present study has based its work on Nisa Surah in order to extract the moral points contained in it as the moral discourse of this Surah. Considering that dealing with all the verses of this surah exceeds the standard quantity of the article, so in this research, we have based our work on the first 34 verses of the mentioned surah.

**Keywords:** discourse, ethics, leadership, society, Holy Quran.